

## گدام

محل تثبیت شده در ساحات گمرکی و یا خارج از آن، به منظور جابجا نمودن و ذخیره اموال مطابق احکام قانون از طرف اداره گمرکات تأسیس و مورد نظارت قرار داشته باشد. پښتو: [گدام]

## گدام تجارتي

محل، عمارت یا بنائی که در آن اموال، کالا یا کالاهای تجار نگهداری می شود. پښتو: [تجارتی گدام (گودام)]

## گدام ترانزیتی

محل ذخیره اموال ترانزیتی یعنی اموالی که به غرض صدور مجدد در آنجا گذاشته شود. پښتو: [ترانزیتی گدام]

## گدام خصوصی گمرکی

گدامی که صرف به منظور استفاده اموال مالک، از طرف وی در مطابقت با احکام قانون تأسیس گردیده باشد. پښتو: [گمرکی خصوصی گدام]

## گدام دار

شخص حقیقی که در مطابقت با احکام قانون مسولیت گدام را دارد. (مراجعه شود به گدام). پښتو: [گدام دار]

## گدام رسمی گمرکی

گدام هایی که از طرف مراجع ذیربط در مطابقت با احکام قانون، به منظور مقاصد خاص ایجاد میگردد. پښتو: [گمرکی رسمی گدام]

## گدام عمومی گمرکی

گدامی که به منظور استفاده تمام صادر کننده گان و وارد کننده گان اموال، از طرف اشخاص در مطابقت با احکام قانون تأسیس میگردد. پښتو: [گمرکی عمومی گدام]

## گذاشتن مرهونه در تصرف مدیون

توافقی که بر اساس آن مالیکه در مقابل دین به گرو داده شده، در تصرف مدیون قرار میگیرد.

پښتو: [د مدیون په تصرف کې د مرهون ایښودل]

## گذشت

عفو و بخشایش، صرف نظر کردن و متوقف ساختن دعوی. پښتو: [گذشت]

## گراف جرایم

افزایش یا کاهش شدت جرم در یک دوره زمانی معین، نسبت به سال یا سالهای قبل.

پښتو: [د جرایمو د گراف انډول]

## گرانفروشی

فروش اجناس و اموال به قیمت بلندتر از قیمت تعیین شده و یا قیمت روز. پښتو: [په لوړه بیه پلورل]

## گردآوری دلایل

اقداماتی که برای جمع آوری دلایل ارتکاب جرم یا نفی آن صورت میگیرد. پښتو: [د دلیلونو راټولول]

## گرفتاری

گرفتن شخص مظنون یا متهم مطابق احکام قانون. توسط اشخاصی که قانون به آنها صلاحیت گرفتاری را اعطاء نموده باشد. پښتو: [نیول]

## گروگان گیری

عملی که دیگران را تهدید و عنفاً آزادی شانرا سلب می کند و بطور غیر قانونی بمنظور برآورده شدن اهداف سیاسی و یا مادی در اختیار خود میداشته باشد. پښتو: [برمته کول]

## گروه جنایت کار

سه نفر یا بیشتر از آن که با داشتن هدف ارتکاب یکی یا بیشتر از جرایم مندرج قانون یا متفقاً اقدام نمایند. پښتو: [جنایت کاره ډله]

## گزمه

پاسبان و یا محافظی که از طرف شب با گشت زنی در شهر و محلات وظیفه امنیت را به عهده دارد. پښتو: [گزمه]

## گمرک

اداره دولتی که امور گمرکی اموال صادراتی، وارداتی، ترانزیتی، محموله مسافری، مؤظفین و پارسل های پستی را مطابق احکام قانون اجراء و کنترل مینماید. پښتو: [گمرک]

## گنگ

کسیکه نمیتواند توسط زبان خود تکلم نماید. پښتو: [گنگ]

## گنگستر

عضوی از گروه جنایتکاران حرفوی که در تباری با سایر افراد جنایتکار، بمنظور دریافت پول و یا کسب منفعت دست به ارتکاب اعمال جرمی بزند. پښتو: [گنگستر]